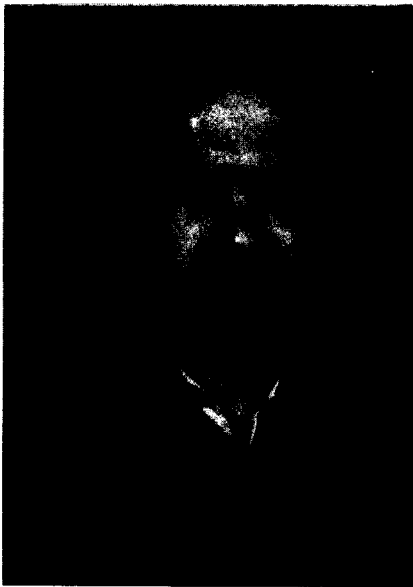


گفتگوی روزنامه قدس با سردبیر مترجم

به مناسبت

روز بین‌المللی ترجمه^۱

■ چنانکه می‌دانید روز سی‌ام سپتامبر (۸ مهر) را "روز بین‌المللی ترجمه" نام گذاشته‌اند. ظاهراً هر سال فدراسیون بین‌المللی مترجمان (FIT) به مناسبت این روز پیامی خطاب به وزرای فرهنگ کشورهای سراسر جهان صادر می‌کند. آیا کشور ما نیز نماینده‌ای در این فدراسیون دارد؟ اساساً فدراسیون بین‌المللی مترجمان چه اهدافی را دنبال می‌کند؟



فدراسیون بین‌المللی مترجمان که یکی از بزرگترین سازمانهای غیر دولتی طرف مشورت یونسکو است، از تعداد زیادی انجمن حرفه‌ای مترجمان وابسته به کشورهای مختلف جهان تشکیل شده است. پس از جنگ جهانی دوم در تعدادی از کشورهای اروپایی انجمن مترجمان تأسیس شده بود. جمعی از این انجمن‌های پیشگام از جمله انجمن مترجمان کشورهای فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، دانمارک و ترکیه انجمن بین‌المللی مترجمان را در سال ۱۹۵۳ در پاریس تأسیس کردند. این انجمن از ۱۸ مارس ۱۹۵۴ به عنوان سازمانی بین‌المللی فعالیت می‌کند و مجله رسمی آن *babel* است که از سال ۱۹۵۵ منتشر می‌شود. انجمن بین‌المللی مترجمان از سال ۱۹۶۲ منشور

دبروونیک را مبنای کار خود قرار داده است. این منشور وظایف و حقوق مترجمان را مشخص کرده، حاوی توصیه‌های مهمی برای مترجمان است و ترجمه را به عنوان حرفه‌ای مستقل و متمایز به رسمیت شناخته است. همچنین این منشور بر تعهد اخلاقی مترجم تأکید کرده و مترجمان را از اینکه متن را مطابق با پسند خود ترجمه کنند برحذر داشته است. در این منشور به حقوق و شرایط کار ترجمه نیز اشاره شده است: مترجم صاحب امتیاز ترجمه‌اش شناخته شده و از ناشران خواسته شده که نام مترجمان را به وضوح در جای مناسب در ترجمه بنویسند و در ترجمه او دست نبرند. از جمله

۱- این گفتگو که در صفحه "کتاب" روزنامه قدس مورخ ۹ مهر ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است، در اینجا با مختصر تغییر برای استفاده خوانندگان مترجم چاپ می‌شود. این گفتگو توسط آقای اسماعیل حدادیان مقدم صورت گرفته است.

اهداف عمده فدراسیون یکی فراهم نمودن هر چه بهتر زمینه‌های همکاری و نزدیکی فرهنگی میان ملت‌هاست، دیگری حل مشکلات مترجمان، دفاع از حقوق آنها و ارتقای موقعیت فرهنگی و اجتماعی آنان است. از آنجاکه در ایران مترجمان حرفه‌ای انجمنی تشکیل نداده‌اند، بنابراین ایران در این فدراسیون نماینده‌ای ندارد. همانطور که اشاره کردید، فدراسیون، سالی یکبار یا هر از گاهی نمی‌دانم، پیامهایی خطاب به وزرای فرهنگ کشورهای جهان صادر می‌کند. یک نمونه از این پیامها را ما در شماره چهارم مترجم چاپ کردیم. شاید بد نباشد در اینجا به طور اجمال به محتوای این پیام اشاره‌ای بکنم. فدراسیون ضمن اشاره به لزوم تشکیل انجمن‌های مترجمان حرفه‌ای به کمک وزارت فرهنگ، از وزرای فرهنگ خواسته است اولاً برای شناخت مشکلات حاد ترجمه در هر کشور، به کمک انجمن مترجمان یا مترجمان صاحب‌نظر، موقعیت فعلی ترجمه در آن کشور را به طور دقیق مورد بررسی قرار دهند. ثانیاً از نحوه اجرای توصیه یونسکو در مورد حمایت قانونی از مترجمان و حرفه ترجمه و فراهم نمودن ابزار علمی برای اعتلا بخشیدن به جایگاه مترجمان، مصوب کنفرانس عمومی یونسکو در نیروبی در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۶ در کشور خود بررسی همه جانبه‌ای به عمل آورند. همچنین فدراسیون ضمن مهم دانستن آموزش و پرورش مترجمان و بهبود موقعیت حرفه‌ای آنان برای نسل‌های آینده، دو نوع برنامه‌ریزی برای تربیت مترجم یکی در سطح ملی، دیگری در سطح بین‌المللی پیشنهاد می‌کند و اظهار امیدواری می‌کند که وزرای فرهنگ بتوانند اقداماتی را که در جهت پیشرفت امر ترجمه در کشور خود ضروری تشخیص می‌دهند به انجام برسانند.

■ فرمودید که در کشور ما انجمن مترجمان حرفه‌ای وجود ندارد. چه موانعی باعث شده تا مترجمان کشور ما از داشتن چنین انجمنی محروم باشند؟

بنده چند سال پیش به فکر تشکیل انجمن مترجمان ایران افتادم، و برای این کار نظر برخی از مترجمان را جویا شدم و اساسنامه انجمن‌های کشورهای مختلف را نیز مطالعه کردم. در حال حاضر تشکیل چنین انجمنی با موانع متعددی روبروست. اولاً انجمن نیاز به حمایت دولت دارد، بی آنکه انجمنی دولتی باشد. ثانیاً، انجمن باید دستور کاری داشته باشد که به موجب آن به تشکیلاتی سیاسی بدل نشود. جمع کردن عده‌ای از اهل قلم در انجمنی که نه داعیه سیاسی داشته باشد و نه انگ سیاسی بتوان بر آن زد، کار ساده‌ای نیست. از این گذشته، گرد آوردن چنین جمعی از مترجمان کار دشواری است. برخی از مترجمان خوب ما در نوعی انزواکار می‌کنند و برای آنکه به میدان بیایند و وقت بگذارند باید به فرد یا تشکیلاتی اعتماد کنند، و به مؤثر بودن تلاشهایی که در جهت ارتقای کیفی ترجمه در کشور می‌کنند باور داشته باشند. در حال حاضر، مترجمان خوب ما هر چه خوش آوازه‌ترند گرفتارترند، زیرا با انبوهی تقاضا روبرو هستند که مجالی برای آنها باقی نمی‌گذارد.

■ فصلنامه مترجم که در مشهد منتشر می‌شود در طی هفت سال انتشار جای خود را در بین مترجمان و علاقه‌مندان ترجمه بخصوص دانشجویان باز کرده است. هدف شما از انتشار این فصلنامه چه بود و آیا به این هدف دست یافته‌اید؟

موضوع پایان‌نامه دوره فوق لیسانس "فایده زبان‌شناسی برای ترجمه" بود. در این پایان‌نامه که به سرپرستی جناب آقای دکتر مجدالدین کیوانی نوشته شد، هدفم این بود که نشان دهم زبان‌شناسی چه کمکی می‌تواند به مترجمان بکند. شاید عموم مترجمان، بخصوص آنهایی که با انگیزه و ذوق ادبی سراغ ترجمه رفته‌اند، بر این باور باشند که اساساً ترجمه به قلمرو ادبیات تعلق دارد و زبان‌شناسی که کارش توصیف زبان است نمی‌تواند کمکی به مترجم بکند. این مسأله از دیرباز مورد اختلاف مترجمان حرفه‌ای و محققان شنب مختلف زبان‌شناسی بوده است. به اعتقاد بنده اگر بخواهیم از بحث‌های کلی دو هزار ساله درباره ترجمه خلاص شویم و به مواضعی اصولی و قابل دفاع دست یابیم، چاره‌ای جز این نداریم که ترجمه را توصیف کنیم و توصیف ترجمه در قلمرو شاخه‌ای از زبان‌شناسی قرار می‌گیرد که به موضوع ترجمه اختصاص دارد. تا ماهیت ترجمه را نشناسیم چگونه می‌توانیم حکم صادر کنیم. احکامی که بر توصیف عینی ترجمه استوار نیستند لاجرم احکامی شخصی، کلی و مبتنی بر سلیقه و ذوق و داوریه‌های ارزشی است. در مفید بودن توصیفات زبان‌شناختی ترجمه در آموزش ترجمه که اصلاً تردیدی وجود ندارد. خدمت مطالعات زبان‌شناختی ترجمه مخصوصاً وقتی مؤثر است که بخواهیم جمعی را آموزش بدهیم که نه استعداد یکسان و نه انگیزه و علاقه یکسان دارند. بر اساس این باور بود که فصلنامه مترجم را در سال ۱۳۷۰ تأسیس کردیم و در همان اولین شماره نوشتیم که هدف ما بیشتر آموزشی است. و به گمان بنده اگر "مترجم" موفقیتی کسب کرده، این موفقیت را باید مرهون همین خط مشی کلی دانست. ما البته این خط مشی را حفظ کرده‌ایم و امیدواریم در همین جهت پیش برویم.

■ در گذشته به نقد ترجمه به صورتی که در مجله مترجم مطرح می‌شود کمتر عنایت می‌شده. به نظر شما فایده و ضرورت نقد ترجمه چیست و در این کار با چه دشواری‌هایی روبرو بوده‌اید؟

یکی از مسائل اساسی که مانع پیشرفت کیفیت ترجمه در ایران است این است که بسیاری از خوانندگان ترجمه نامفهوم بودن ترجمه را پیش از آنکه به حساب مترجم بگذارند به حساب متن اصلی یا احیاناً بی‌سوادی و بی‌اطلاعی خود می‌گذارند، و گرنه اگر خوانندگان به کیفیت ترجمه حساس بودند این همه ترجمه‌های ضعیف چاپ و منتشر نمی‌شد. از این که بگذریم نقد ترجمه مشکلات مشترکی با نقد ادبی و به‌طور کلی نقد در ایران دارد. مشکل خاصی که نقد ترجمه دارد این است که به دلیل عدم قدمت آن در ایران، نه تنها فرهنگ بلکه زبان و قالب خود را نیز پیدا نکرده است. چنانکه می‌دانید نقدنویسی کار دشواری است، و منتقد باید هم جامعیت علمی و هم قوه داوری داشته باشد. پس برای اینکه نقد خوب ترجمه داشته باشیم باید اهل نظر را به درک ضرورت نقدنویسی که به نظر برخی معادل با دشمن‌تراشی است وا داریم. ما در مترجم موارد بسیاری نقد ترجمه چاپ کرده‌ایم. این نقدها برخی جزئی‌نگر بوده‌اند، برخی کلی‌نگر. برخی از سر عطف‌نوشته شده‌اند برخی از سر غضب. به‌طور کلی با توجه به فرهنگ نقد در کشور، ما همیشه سعی کرده‌ایم از هر نوع ماجراجویی ژورنالیستی پرهیز کرده و با رعایت انصاف داوری کنیم. با این حال نقدهایی که تاکنون چاپ

کرده‌ایم ببری از نقص نبوده‌اند. ما از این نقدها تجربه‌هایی آموخته‌ایم که بسیار مفید هستند و راه آینده ما را در نقد هموار می‌کنند.

■ رابطه میان ترجمه و فرهنگ چگونه است و فرهنگ چه نقشی در ترجمه دارد؟

مسئله فرهنگ از دو جهت به ترجمه مربوط می‌شود. یکی از جهت درک متن، دیگری از جهت نقشی که متن ترجمه شده در فرهنگ مقصد ایفا می‌کند. در مورد جهت اول باید گفت که بسیاری از کلمات و نیز مفاهیم فقط در چارچوب فرهنگ مربوط به خود هستند که معنی پیدا می‌کنند. هر چه در متنی این‌گونه کلمات و مفاهیم بیشتر به کار برود، متن به فرهنگ وابسته‌تر می‌شود، و لذا درک متن تابع درک فرهنگ آن می‌شود. متأسفانه اهمیت این نکته بدیهی بر مترجمان تازه کار، بخصوص آنها که سراغ ترجمه متون ادبی می‌روند، پوشیده است. اینان خیال می‌کنند چون با کلمه سر و کار دارند می‌توانند به کمک فرهنگ لغت کلمه را ترجمه کنند. حال آنکه اینان در واقع با فرهنگ سر و کار دارند، و فرهنگ را نمی‌توان از فرهنگ لغت آموخت. در شکل مطلوب، مترجم بویژه مترجم ادبی، باید کم و بیش مدتی در فرهنگ مقصد زندگی کرده باشد. همین جا این نکته را هم بگویم که یکی از دلایل ناموفق بودن برنامه‌های تربیت مترجم همین است. جهت دوم ارتباط میان ترجمه و فرهنگ به بررسی و بحث درباره سؤالاتی می‌پردازد از قبیل: "چرا اثری برای ترجمه انتخاب می‌شود؟" یا "ترجمه‌ها چه تأثیرات فرهنگی یا زبانی ایجاد می‌کنند؟" در سالهای اخیر، بسیاری از محققان به بحث و تحقیق درباره اینگونه سؤالات علاقه نشان داده‌اند، و ترجمه‌ها را نه از دیدگاه زبانی بلکه به مثابه پدیده‌هایی فرهنگی و در چارچوب فرهنگ مبدأ و مقصد بررسی می‌کنند. این دیدگاه نو و جالبی است، و بخصوص در کشور ما زمینه بکر و مناسبی برای تحقیق در اختیار محققان قرار می‌دهد.

■ مدتهاست که درباره ترجمه ماشینی صحبت‌هایی شنیده می‌شود. در حال حاضر وضعیت ترجمه ماشینی را چگونه می‌بینید؟

مسئله ترجمه ماشینی چه از جنبه نظری چه از جنبه علمی آن بیش از چهار دهه است که در غرب مطرح است؛ اما فقط در چند سال اخیر بوده که ترجمه ماشینی رونق تجاری چشمگیری یافته است. نقطه آغاز تحول جدی در مسئله ترجمه ماشینی که رونق تجاری آن را نیز به دنبال داشت وقتی بود که حیطة ترجمه ماشینی را به متونی خاص محدود کردند، و از آن پس بود که سیل نرم‌افزارهای مختلف ترجمه به بازار سرازیر شد. البته هر نرم‌افزار محدودیتهای خاصی دارد و حتی در چارچوب همان محدودیتها نیز بی‌نیاز از ویرایش نیست. امروزه در غرب بسیاری از شرکت‌های تجاری از نرم‌افزارهای ترجمه برای ترجمه متون فنی خود از زبانی به زبانهای دیگر و برعکس استفاده می‌کنند. با این حال، با آنکه روز به روز کارآیی این نرم‌افزارها افزایش می‌یابد، کمتر صاحب نظری است که معتقد باشد ترجمه ماشینی روزی جای مترجم ادبی را خواهد گرفت.

■ در حال حاضر وضعیت ترجمه و وضعیت مترجمان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای را چگونه می‌بینید؟
 به‌طور کلی وضعیت ترجمه در حال حاضر چندان مطلوب و رضایت بخش نیست. شاید دلیل عمده این وضعیت کمبود مترجم صاحب صلاحیت است. وقتی می‌خواهید کتاب مهمی را به زبانی در خور آن ترجمه کنید در می‌یابید که برآستی قحط‌الرجال است. مترجمان خوب و با سابقه، بسیار کم و نیاز بسیار زیاد است؛ هر چند که بخشی از این نیاز شاید کاذب باشد. البته ما در حال حاضر با تعداد روز افزونی فارغ‌التحصیل دانشگاهی روبرو هستیم که آموزش ترجمه دیده‌اند و دنبال کار ترجمه می‌گردند، و یا به کار ترجمه اشتغال دارند، ولی متأسفانه سطح آموزش در دانشگاه با سطح نیاز در دنیای حرفه‌ای ترجمه بسیار تفاوت دارد. به‌طور کلی تصور می‌کنم وضعیت کنونی ترجمه نیازمند یک بررسی کمی و کیفی همه‌جانبه است، و تنها با انجام چنین بررسی می‌توان مشکلات موجود را بدرستی شناخت.

■ در حال حاضر تا چه حد ادبیات معاصر ما به زبانهای زنده دنیا ترجمه می‌شوند و اصلاً برای ترجمه این آثار از چه افرادی باید کمک گرفت.
 نوشته‌های فارسی که به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند یا می‌شوند در سه دسته جای می‌گیرند. یک دسته متون کلاسیک فارسی هستند که از قرن نوزدهم به این طرف و بخصوص در سالهای اخیر توسط دانشگاه کلمبیا ترجمه شده‌اند. دسته دیگر متون معاصر فارسی، عمدتاً متون ادبی هستند که پس از پیروزی انقلاب ترجمه شده‌اند. دسته سوم متونی هستند که به تازگی منتشر شده‌اند و با کمی فاصله به انگلیسی ترجمه شده‌اند. این دسته از متون که عمدتاً شعر، داستان کوتاه و رمان هستند در نتیجه تحولات اجتماعی و ادبی سالهای اخیر به وجود آمده‌اند. ویژگی این دسته این است که علاوه بر خواننده احتمالی غربی، انبوهی خواننده فارسی‌زبان ساکن غرب دارد که در واقع نسل دوم ایرانیان مهاجر هستند. بدین ترتیب در سالهای آینده حجم بسیاری از این نوع متون به زبان انگلیسی و سایر زبانها ترجمه خواهد شد. به نظر این جانب شایسته است این متون توسط فردی که انگلیسی را به عنوان زبان اول یا همزمان با زبان مادری خود آموخته است ترجمه شود، خواه این فرد ایرانی باشد خواه غیر ایرانی.

■ از اینکه فرصت این گفت‌وگو را به ما دادید سپاسگزارم.